

جهانی شدن ارتباطات و تهدیدهای امنیت ملی ما

گروه تحقیق

درآمد

عبارت بهتر جهانی شدن فرآیندی است دارای ابعاد مختلف که اکثر نویسندگان از سه جنبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (اجتماعی) آن نام برده‌اند. نکته حائز اهمیت این است که همه پژوهشگران معتقدند که فرآیند جهانی شدن بدون توسعه فناوری ارتباطات ممکن نیست. توسعه ارتباطات علاوه بر تسهیلاتی که در زمینه‌های گوناگون ایجاد می‌کند، محدودیتها و مشکلاتی نیز برای دولت‌ها به وجود می‌آورد که یکی از آنها بعد امنیت دولتهاست. توسعه ارتباطات منجر به نفوذپذیری مرزها شده و آثار مهم و نگران‌کننده‌ای برای حکومتها ایجاد کرده است. مهم‌ترین اثر آن این است که بر میزان «حساسیت» و «آسیب‌پذیری» دولت‌ها افزوده

در سالهای اخیر مفهوم جهانی شدن و تأثیرات و پیامدهای آن توسط پژوهشگران مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مباحث بسیار جالب و جدیدی را در حوزه‌های پژوهشی علوم انسانی برانگیخته است. مفهوم جهانی شدن هر چند در ظاهر مفهوم واحدی است اما دارای یک معنی واحد نمی‌باشد و از آن تعبیر مختلفی صورت گرفته که باید مورد بررسی قرار گیرد. این مفهوم همچنین مفهومی تک بعدی نیست بلکه دارای ابعاد متعددی است که تمیز میان آنها در فهم بهتر آن مؤثر است. برای جهانی شدن معانی متعددی ذکر شده و هر یک از اندیشمندان نیز آن را از جنبه خاصی بررسی کرده است. به

است. این دو مفهوم در هر دو بعد داخلی و بین‌المللی صدق می‌کند. در بعد داخلی مقصود نحوه ارتباط حکومتها با مردم و اتباع خود است که حساسیت و میزان آسیب‌پذیری حکومتها را افزایش داده است. از نتایج مهم نفوذپذیری مرزها در این بعد آن است که ممکن است همراه با وارد شدن افراد و گروهها به داخل یا بدون آن افکار برون مرزی همراه با فناوری ارتباطات وارد کشورها شود و گروههایی را در مقابل حاکمیت قرار دهد. با توجه به موضع‌گیریهای شدید برخی دولتها نسبت به گسترش فناوری ارتباطات، اهمیت این حساسیت و میزان آسیب‌پذیری در داخل را می‌توان به آسانی درک کرد حال با عنایت به مطالب فوق سؤالی که مطرح است این است که تأثیرات جهانی شدن ارتباطات بر امنیت ملی چیست؟

۱-۱- تعریف ارتباطات

منظور از ارتباطات در این پژوهش ارتباطات فردی نمی‌باشد بلکه مراد ارتباطات جمعی و گروهی و تأثیراتی است که این نوع ارتباطات در جوامع دارند. «ادومین امری»^۱ ارتباطات را در معنای عام آن چنین تعریف می‌کند: «ارتباطات عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر»^(۱) «چارلز کولی»^۲ یکی از معتبرترین محققان این رشته نیز ارتباط را سازوکاری می‌داند که از خلال آن روابط انسانها برقرار شده و بسط می‌یابد.^(۲)

بنابراین ارتباط، انتقال پیام به دیگری و اساس شکل‌گیری جامعه انسانی است و به همین خاطر است که ماهیت جوامع فعلی بر پایه آن تعریف می‌شود. ارتباط سازوکاری است که روابط انسان بر اساس آن پدید می‌آید و تمامی مظاهر فکری و وسایل انتقال و حفظ آنها در مکان و زمان بر پایه این سازوکار توسعه می‌یابد.^(۳) در مجموع تعریف «میکسی اسمیت» را می‌توان تعریفی مختصر و مفید از ارتباط دانست، وی

۱- جهانی شدن ارتباطات

امروزه گسترش شبکه‌های ارتباطی جهان، نفوذپذیری مرزها و قرار گرفتن مردمان کشورهای مختلف در معرض امواج گوناگون تبلیغات جهانی، مفاهیم بسیار متفاوتی از ارتباطات درون مرزی و برون مرزی در چارچوبهای مختلف از جمله مسائل مربوط به امنیت ملی پدید آورده است. دیدگاه امروزی نظامهای مختلف جهانی، به مسئله جهانی شدن و همکاریهای منطقه‌ای، تمامی مجموعه‌های ملی را وادار می‌سازد تا با توجه به نقش گسترده ارتباطات، پیدایش و گسترش ماهواره‌ها و

می‌گوید که: «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال اطلاعات، احساسها، حافظه و فکرها در میان مردم.»^(۴)

۲-۱- تحول مفهوم ارتباطات

با شروع انقلاب صنعتی و رشد روز افزون تکنولوژی، مفهوم جدیدی چون تقسیم کار تبلور یافت که با خود گسترش صنایع و رشد دانش تجربی را به همراه داشت. با آغاز این شیوه از زندگی، فرهنگ متناسب با آن نیز ظهور یافته و کیفیت زندگی معاصر دگرگون گشت. با ایجاد تحول و دگرگونی در این حیطه از زندگی انسانها، عملکرد ارتباطات نیز تنوع پذیرفت و در واقع حوزه عملکرد و میدان اقتدار آن نامحدود شد.

به عبارتی می‌توان گفت ارتباطات به شکل امروزی خود زاینده رشد صنعت و فناوریهای علمی بشر از انقلاب صنعتی به بعد است و

تغییر مفهوم ارتباطات نیز در پیشرفت وسایل ارتباطی و اهداف به کارگیری آن خلاصه می‌شود؛ چرا که تحولات و انقلابات عصر کنونی، به سادگی تحولات قرون گذشته نیست. در این عصر تحولات در گستره‌های متنوع فضا و زمان رخ می‌نماید و بنابراین تغییر مفهوم ارتباطات در بطن پیچیدگی زندگی معاصر نهفته است، یعنی انسانها با گذار از سادگی در طول زمان، بسیاری از مفاهیم از جمله ارتباطات را دگرگون ساخته‌اند، به گونه‌ای که در سایه تحولاتی چنان عظیم، ابعاد زمان و فضا نیز ارزشهای کهن خود را از دست داده‌اند.^(۵)

سرعت خیره‌کننده انقلاب ارتباطات و فناوری مربوط به آن، با ایجاد بزرگراههای ارتباطی، جهانی سراسر متغیر به ظهور رسانده که بزرگترین دستاورد آن تحول درمعانی است. یعنی بر خلاف تصورات قبلی که معنا را چیزی پیش داده می‌دانستند که در جریان ارتباط منتقل می‌شود، تصور جدید معنا را زاینده ارتباط برمی‌شمارد و بیرون از پدیده ارتباط به چیزی باور ندارد. انسان معاصر با برخورداری از تکنولوژی ارتباطات، دستیابی به آرمانهایی را که زمانی تنها در ذهن حقیقت جوی اوجای داشت، حق مسلم و طبیعی خود دانسته و عملاً در جهت گرایشهایی چون آزادی، عدالت و امنیت گام می‌نهد.^(۶)

۲- امنیت ملی و ارتباطات

۲-۱- تعریف امنیت ملی

در مورد امنیت ملی تعاریف مختلفی ارائه شده است که قبل از اشاره به تحول مفهومی آن در زمانهای گذشته، لازم است نخست به این تعاریف اشاره داشته باشیم. در ابتدا باید توجه داشت که این مفهوم مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی دارای تعریف واحدی که مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب نظران باشد نیست. بر همین اساس است که «بری بوزان»^۳ می‌گوید «امنیت ملی را نمی‌توان به طور کلی تعریف کرد بلکه تنها در موارد مشخص می‌توان

آن را تعریف نمود.^(۷) او در جای دیگری چنین می‌گوید: «امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف مبهم ولی از نظر سیاسی مفهومی قدرتمند باقی مانده است چون مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی بازمی‌گذارد.»^(۸) با این حال از سوی صاحب‌نظران در این مورد تعاریف مشخص‌تر و دقیق‌تری نیز مطرح شده است. «والتر لیپمن»^۴ محقق و نویسنده آمریکایی نخستین کسی بود که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف نمود: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را به پیش ببرد.»^(۹) «برژینسکی» سیاستمدار آمریکایی در اوج جنگ سرد درباره امنیت ملی معتقد بود که: «نقطه شروع کنکاش در باب امنیت ملی باید با شناسایی صحیح ماهیت تغییرات عصر ما قرین باشد. به اعتقاد وی چهار انقلاب مرتبط با هم دنیای معاصر را دستخوش تحول کرده است: انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی، انقلاب اقتصادی و انقلاب نظامی. تأثیرات این چهار انقلاب به طور هماهنگ روی نظام بین‌الملل، رقابت دو ابر قدرت، ثبات و موازنه نظامی آنها آشکار است و در آینده ابعاد گسترده‌تری پیدا خواهد کرد.»^(۱۰)

از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیمها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند.»^(۱۱) با دقت در تعاریف صورت گرفته می‌توان چنین برداشت نمود که نقطه مشترک قابل قبول همه صاحب‌نظران ضرورت «حفظ وجود خود» است. برخی از صاحب‌نظران حفظ خود یا صیانت ذات و نفس را در چهار پدیده ذیل خلاصه می‌نمایند:

- ۱- حفظ جان مردم
- ۲- حفظ تمامیت ارضی
- ۳- حفظ سیستم اقتصادی و سیاسی
- ۴- حفظ استقلال و حاکمیت کشور

چهار مقوله فوق به عنوان جوهره امنیت ملی این خصوصیت را دارد که تمام کشورها در سیاست داخلی و خارجی شان و نیز افراد، گروهها و احزاب موجود در کشورها بدون توجه به گرایشها، سلیقه‌ها و اختلافات فردی، گروهی، طبقاتی، سیاسی و اجتماعی در مورد اهمیت حفظ و تلاش برای رفع تهدیدات علیه این چهار ارزش، در حد توان و امکان اتفاق نظر کامل دارند. اهمیت امنیت ملی به حدی است که بسیاری از دانشمندان علم سیاست و روابط بین‌الملل بر این نظرند که تحقق این مهم «فلسفه وجودی دولت» یا «فلسفه تشکیل دولت» را به دست می‌دهد.

4. Walter Lippman

5. Robert Mandel

۲-۲- ابعاد امنیت ملی

و فرهنگی مردم و رهبران یک کشور دارد. برآیند این باورها و اعتقادات باعث می‌شود یک ملت یا رهبران آن، کشوری را دشمن و کشور دیگری را دوست تلقی نمایند. چون احساس امنیت یا عدم آن یک برداشت ذهنی است، حتی با تغییر رهبران سیاسی این مفهوم تغییر می‌یابد.^(۱۲)

۳- تجزیه ناپذیر بودن امنیت: بدین معنی که امنیت در مقابله کردن با حاکمیت و استقلال یک کشور رابطه مستقیم دارد. یعنی اگر در شهر یا استانی از یک کشور جنگ داخلی یا ناامنی پدید آید نمی‌تواند ادعا کند که چون در دیگر شهرها امنیت به هم نخورده است دارای امنیت ملی کامل است.^(۱۳)

۲-۴- تحول مفهوم امنیت ملی

۱- قبل از ۱۹۴۵: در این دوران مفهوم امنیت جنبه نظامی داشت و توصیه سیاستمداران و نظامیان در این دوره این بود که دولت‌ها با داشتن و تهیه توان و قدرت نظامی برتر، امنیت بیشتری به دست می‌آورند. یعنی آمادگی نظامی در داخل و خارج کشور هدف ایده آل برای امنیت ملی تلقی شد. بنابراین مفهوم امنیت در این دوره امنیت نظامی سرزمینی است. به عبارت دیگر سرزمین بیشتر، جمعیت بیشتر، سرباز و ارتش قوی‌تر و امنیت بیشتر. این دوران را می‌توان دوره سنتی مفهوم امنیت ملی دانست.

۲- از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰: در این دوران ابعاد امنیت

امنیت ملی دارای دو بعد داخلی و خارجی است که با یکدیگر مرتبط‌اند. در بعد داخلی تهدیدهای آشکار و پنهان در درون مرزها، ناامنی به بار می‌آورد از قبیل تهدیدات سیاسی (شورش، جدایی طلبی، انقلاب...) بحرانهای اقتصادی و نظامی (کودتا، جنگ داخلی...) و آشوبهای اجتماعی که هر کدام مردم را تحت فشار قرار می‌دهد. در بعد خارجی نیز امنیت ملی می‌تواند از ناحیه مسائل سیاسی (اعمال فشارهای سیاسی و انزوا) نظامی (حمله، تعرض نظامی، تقویت قدرت نظامی دشمن) اقتصادی (تحریمهای اقتصادی، تعرفه، لیست سیاه...) تهدید شود. امروزه به دلیل ارتباطات گسترده و نزدیکی ملتها به یکدیگر امنیت ملی در بعد داخلی و خارجی کاملاً با یکدیگر در پیوند است و از یکدیگر تأثیر و تأثر می‌پذیرد.

۲-۳- ویژگیهای امنیت ملی

۱- نسبی بودن امنیت: در جهان امروز دست‌یابی به امنیت مطلق ناممکن است زیرا قدرت که مبنای تحصیل امنیت است متغیر، متفاوت و نسبی است و به تبع آن امنیت حاصل برای دولت‌ها نیز نسبی می‌گردد. بنابراین با تغییر میزان قدرت و وجود تهدیدات بالقوه و بالفعل حتی قوی‌ترین دولت‌ها هم امنیت مطلق ندارند.

۲- ذهنی بودن امنیت: اصولاً احساس امنیت یا عدم امنیت یک برداشت یا امر ذهنی است که ریشه در معتقدات و باورهای مذهبی، اخلاقی

ملی گسترده تر شده و دیگر محدود به مسائل نظامی نماند. معنی قدرت از شکل نظامی آن به اشکال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز تعمیم یافت. در این دوره با نگرش تجزیه ای به امنیت ملی نگاه می شود یعنی برتری در ابعاد نظامی، اقتصادی و سیاسی امنیت یک طرف راقوی تر و طرف مقابل را ضعیف ترمی کند. مفهوم امنیت ملی در این دوره از بعد نظامی گذشت و عملاً روی ابعاد اقتصادی و تجاری متمرکز شد. البته در این دوره هنوز ریشه فکری ماکیاولی در مورد امنیت حاکم بود و این نگرش در صحنه عمل میان دولت‌ها تا فروپاشی شوروی تداوم داشت. حتی بسیاری از صاحب نظران یکی از علل عمده فروپاشی شوروی را توجه محض مقامات این کشور به بعد نظامی مفهوم امنیت ملی دانسته اند. به عبارت بهتر تمام تلاش و سرمایه گذاری این کشور برای برقراری امنیت ملی در بعد نظامی خلاصه می شد و در حالی که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، علمی و ارتباطی عقب مانده بود که نتیجه آن عدم تعادل و ثبات اقتصادی و اجتماعی و نهایتاً فروپاشی بود.

- ۱- اهمیت زیاد بازیگران سیاسی فراملی و فروملی.
- ۲- گسترش شبکه پیچیده وابستگی متقابل اقتصادی همراه با گونه ای ستایش جهانی نسبت به اصول سرمایه داری و دموکراسی.
- ۳- افزایش فشارها بر محیط طبیعی و منابع کشورهای فقیر و غنی.
- ۴- انتشار تکنولوژی پیشرفته نظامی بین کشورها.^(۱۴)

۳- توسعه ارتباطات و چالشهای امنیت ملی

برای مواجهه فعالانه با فرآیند جهانی شدن ارتباطات و توسعه روز افزون اطلاعات باید برنامه عقلانی و استراتژیک داشت. پیش نیاز تدوین چنین برنامه ای کسب آگاهی از نقاط ضعف و قوت خودی و پدیده مذکور است. در این بخش به بررسی تأثیرات توسعه ارتباطات

۳- از ۱۹۹۰ به بعد: این دوره با رشد سریع ارتباطات و اطلاعات و نزدیک شدن هر چه بیشتر ملت‌ها به یکدیگر آغاز می گردد. عصری که آن را انقلاب اطلاعات و ارتباطات می توان نامید. در این دوران جهان به مثابه یک دهکده است و مفهوم امنیت ملی نه مانند دوره نخست بعد نظامی - سرزمینی یک جانبه دارد و نه مثل دوره دوم ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی

بر ابعاد گوناگون امنیت ملی خواهیم پرداخت و امنیت را از ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بررسی خواهیم کرد تا از این راه محدودیتها، چالشها، تهدیدات و امکانات امنیتی در عرصه ملی را روشن تر سازیم.

۳-۱- امنیت سیاسی

از خصوصیات اصلی نظام مدرن برپایی سیستم دولت- ملت و سازماندهی یک مرجع اقتدار واحد و مشروع در پهنه سرزمین مشخص برای اعمال حاکمیت بر مردم آن سرزمین است که

از انحصار سلطه، قدرت و زور مشروع و توانایی نظارت جامع بر قلمرو عمومی برخوردار می باشد. در این حوزه اصلی ترین تهدید امنیت ملی، چالش بحران در حاکمیت ملی است. بعد سیاسی جهانی شدن ارتباطات معمولاً پیوند نزدیکی با بحران دولت- ملت یعنی عنصر حاکمیت ملی دارد.

از دیر باز نظام دولتهای ملی، گذشته از برقراری امنیت و مقابله با تهدیدات خارجی چند عملکرد مهم داشته اند. ایجاد نظم عمومی، قانونمندی سازی اقتصاد و تجارت، ترویج عدالت اجتماعی، کنترل و دستیابی به منابع طبیعی و استفاده از آن، حفاظت از تنوع فرهنگی و... از عملکردهای مهم دولتهای ملی است، مجموع این فعالیتها پایه ای را برای ایجاد نظم جهانی مبتنی بر نظام سیاسی دولتهای ملی به وجود آورده است اما به ویژه در دهه اخیر این واحدهای اصلی نظام بین الملل، چه کوچک و چه بزرگ،

سلطه خود را کم و بیش از دست داده اند و نسبت به گذشته کمتر دارای استقلال و آزادی عمل هستند. توسعه شبکه های ارتباطی و ماهواره ای، تحول در امور پستی و مخابراتی، توسعه امور رایانه ای و به ویژه ظهور شبکه جهانی اینترنت رشد شتابنده ای به نزدیک تر شدن ملتها به یکدیگر و کاهش اهمیت جغرافیا و مرزها داده است. به گونه ای که صحبت از وابستگی متقابل^۶ در میان نظریه پردازان سیاسی و اقتصادی باب روز شده است.

وابستگی متقابل تا اندازه زیادی ناشی از حاکم شدن ساختارهای نظام سرمایه داری و تحولات تکنولوژیکی- ارتباطاتی و انقلاب اطلاعات است. وابستگی متقابل در ضدیث با یکی از جنبه های مهم سنتی حاکمیت یعنی نفوذناپذیری مرزها برخاسته و مرزها را هر چه بیشتر نفوذپذیر ساخته است. افراد جوامع مختلف به آسانی با یکدیگر ارتباط برقرار و رفت و آمد می کنند. اخبار جهانی در عرض چند دقیقه در سطح جهان منتشر می شود و اخبار محرمانه و غیرمحرمانه روی شبکه ارتباطی اینترنت قرار می گیرد و این مبادلات تضاد کلاسیک میان سیاست داخلی و سیاست بین المللی را در هم می شکند و نظریه سنتی را که بر حسب آن روابط بین الملل میان حکومتها ایجاد می شود، در حالی که جوامع از یکدیگر مجزا هستند، را باطل می سازد.^(۱۵) ساز و کارهایی که موجبات

6. Interdependency

فوق مدرن، زمان و مکان را درنور دیده و پایه سرزمینی دولتها را شدیداً سست کرده است. لذا یکی از ابعاد مادی دولت یعنی سرزمین و مرزها موضوعیت خود را با پیشرفت ارتباطات جهانی از دست خواهد داد.

رشد و توسعه تکنولوژی اطلاعات مفهوم حاکمیت را در سه زمینه مورد چالش جدی قرار می دهد. نخست یک پارچگی سرزمینی حاکمیت را به چالش می کشاند، به عبارت بهتر وجود کشورهای مختلف را نمی پذیرد و این ادعای دولتها را که قادرند روابط قطعی و محکم بین شهروند و سرزمین ایجاد کنند، مورد چالش جدی قرار می دهد. دوم، دولتهای ملی از توانایی محدودی برای کنترل مبادلات اقتصادی که با تکنولوژی اطلاعات و تجهیزات و سرویسهای آن پیوند دارد، برخوردارند. طبیعت غیرفیزیکی تکنولوژی اطلاعات این مشکل را به وجود خواهد آورد که محدودیتهای گمرکی، تعرفه ها، مالیاتها و رژیمهای کنترلی دیگر اعمال پذیر نخواهد بود. سوم، توسعه تکنولوژی اطلاعات بسیار غیر متمرکز و بر اختراع و ابتکار استوار است. اگر چه دولت کار ویژه مهمی در تأمین زیرساختهای مناسب برای توسعه تکنولوژی اطلاعات دارد اما کار ویژه ای محدود در هدایت آن به عهده خواهد داشت. (۱۶)

چالشهای امنیتی در بعد سیاسی حاکمیت ملی را فراهم می سازد می توان چنین ذکر کرد:

الف- با توجه به اهمیت عوامل اقتصادی و بسط اقتصاد بازار و همچنین اهداف گسترده فراملی شرکتهای چند ملیتی در عرصه های اقتصادی و تجاری، دامنه اقتدار حاکمیت ملی کشورها در سازماندهی مطلوب و ملی امور اقتصادی کاهش می یابد. دولتها بخش قابل توجهی از تواناییهای اعمال حاکمیت و تنظیم سیاست گذاری را از دست می دهند.

ب- شبکه ها و نهادهای فراملی، سازمانهای غیردولتی، انجمنهای داوطلبانه و جنبشهای اجتماعی اشکال دیگری از اقتدار هستند که در عصر جهانی شدن ارتباطات ظهور و بروز می یابند و اقتدار دولتها را به چالش خواهند کشید. برای نمونه تبدیل حقوق بشر به مفهومی که تابع صلاحیت غیردولتی است یا بین المللی شدن آن به عنوان یک پارادایم و کارکردهای دیگری از این قبیل متضمن ایجاد چالش در بعد سیاسی امنیت ملی است. بسط و گسترش این نمونه ها تماماً مرهون فعالیتهای سازمانهای بین المللی و غیردولتی است که به عنوان قدرتهای جدید در عرض قدرت دولت- ملت مطرح گردیده اند و حاکمیت ملی را مخدوش ساخته اند.

ج- ارتباطات جهانی و ساماندهی نوین اطلاعاتی با بهره گیری از تکنولوژیهای

۲-۳- امنیت اقتصادی

از دست رفته ببینند، چرا که دیگر تمامی سیاستهای تنظیم بازار و نظامهای تولید در انحصار و کنترل کامل دولت-ملت قرار ندارد. این موضوع زمینه ساز تحدید نسبی حاکمیت و امنیت ملی کشورها می شود. در کنار توسعه روزافزون ارتباطات در حوزه اقتصادی، سرزمین زدایی معنی و مفهوم خاصی پیدا می کند. بدیهی است که سرزمین زدایی عامل ایجاد محدودیت برای دامنه و حیطه ابعاد اقتصادی امنیت ملی است. رشد معاملات فرامرزی، سرمایه گذاریهای مبتنی بر همکاری، ایجاد بازارهای جهانی در امور مالی و سرمایه، گسترش تکنولوژی ارتباطات و تجارت الکترونیکی از جمله عوامل و عناصر سرزمین زدایی در حوزه فعالیت اقتصادی محسوب می شود.

از جمله ویژگیهای دیگر در این بعد از امنیت، مشارکت در تولید و تولید مشارکتی بین نهادها و کارگزاران غیردولتی است. عنصر تعیین کننده روند مزبور، رقابت و سودآوری است. با عنایت به این نکته، باید هر کشور در راستای منطق جدید قدرت، فزون بخشی تواناییهای داخلی خود و با اتکاء به کارگزاران غیردولتی امنیت ملی خویش را تأمین کند و جامعیت بخشد. در غیر این صورت امنیت ملی کشور دچار بحرانهای اساسی می گردد. در عصر جهانی شدن و توسعه ارتباطات، قدرت همچنان عنصر تعیین کننده در روابط بین الملل است ولی وجوه و ابعاد آن به شدت دستخوش

یکی از اصلی ترین تأثیرات توسعه ارتباطات در حوزه اقتصاد است و لذا پیچیده ترین مباحث در این حوزه مطرح است و چالشهای اساسی دولتها نیز در این بعد قابل بحث و تحلیل جدی تر است. سازوکارهای مربوط به قواعد و مقررات تجارت جهانی منجر به قدرت روزافزون شرکتهای فراملی شده است که حدود دو سوم تجارت جهانی را در اختیار دارند. بر اساس پیش بینیهای به عمل آمده در خصوص آژانسهای تجاری و افزایش سرمایه گذاریها به نظر می رسد سالانه ۲۷۰ میلیارد دلار به درآمد جهان افزوده خواهد شد.^(۱۷) کارگزاران اصلی این روند، نهادها و شرکتهای چند ملیتی و غیردولتی هستند. بنابراین می توان گفت نقش دولتها در این بخش رو به کاهش گذاشته است. از دیگر شاخصهای مطرح در امور اقتصادی، جهانی شدن تولید است. در شرایط نوین تولید کالا و درآمد، نه در پهنه سرزمینی، بلکه در تعامل و تقسیم کار بین المللی و منطقه ای با سایر بازیگران انجام می شود. دولتها هر چه بیشتر خواهان افزایش سرمایه گذاری شرکتهای سرمایه گذاران فراملی و چند ملیتی در سرزمین خود هستند. این امر بدان معنی است که با توجه به آزادی و تحرک سرمایه، کالا و نیروی انسانی تمایز متعارف میان محیطهای اقتصادی و تجاری برون و درون به تدریج اهمیت خود را از دست می دهد. این امر منجر به این می شود که سیاست گذاران ملی بخشی از اختیارات خود را

تغییر و تحول شده است. قدرت صرفاً در ابعاد نظامی معنی و مفهوم نمی‌یابد و از سوی دیگر صرفاً در قلمرو ملی و سیاستهای انزواگرایانه دست یافتنی نیست. در شرایط نوین جهانی قدرت و امنیت برای جوامع مختلف در سایه توجه به برتریهای نسبی و حضور فعالانه در بازارهای رقابتی و همچنین کسب توانایی برای تولید مشارکتی در ابعاد گوناگون فراهم خواهد شد. با توجه به پیشرفتهای گسترده تکنولوژی در عرصه تولید و خدمات‌رسانی، تهدیدات برای کشورهای جهان سوم نیز شدیداً افزایش یافته است، زیرا توسعه فناوریهای نوین کیفیت تولید و تجارت جهانی را با ارائه استانداردهای بالا افزایش داده است و لذا کشورهای توسعه نیافته در صورت عدم آمادگی و توانایی برای رعایت استانداردهای جهانی راه به جایی نخواهند برد و دامنه فعالیت آنها به شدت محدود خواهد شد. بدیهی است نتیجه آشکار این وضعیت کاهش رفاه آحاد جامعه و تشدید بحران مشروعیت و بحران کارایی حاکمیتها خواهد بود.

۳-۳- امنیت فرهنگی

نکات اساسی که در رابطه با بعد فرهنگی امنیت ملی وجود دارد در پاسخ به پرسشهای ذیل معنی و مفهوم می‌یابد، آیا توسعه ارتباطات موجب ادغام هویت‌های فردی، مذهبی، محلی و ملی در هویت جدید و جهانی می‌شود؟ آیا نزدیک شدن آحاد بشر به هم به دلیل پیشرفت

ارتباطات به یکی شدن ذهنیتهای بشری یا یکسان‌سازی انسانها می‌انجامد؟ هر معنایی را که از فرهنگ و فرآیند جهانی شدن آن در نظر داشته باشیم، نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن مقوله ارتباطات و تأثیر شگرفی که تکنولوژی ارتباطات در این فرآیند دارد تحلیل و تفسیر کنیم. گسترش ارتباطات و پیدایش و حاکمیت قدرتمندانه فناوری نوین ارتباطات، بی تردید یکی از عوامل مهم و شاخصه‌های جهانی شدن فرهنگ جدید است. پیرامون این موضوع می‌توان به دیدگاههای رابرتسون^۸ و فوکویاما^۹ اشاره کرد. رابرتسون بر لزوم برداشتی چندبعدی و کثرت‌گرا از نظام جهانی تأکید دارد که هویت‌های فرهنگی متعدد چون محلی، ملی و... عناصر تشکیل‌دهنده آن هستند.^(۱۸) یعنی در مقابل فرآیند یکسان‌سازی، جریان و فرآیند تکثر و تنوع نیز حضور جدی و تأثیرگذاری در عرصه روابط بین‌الملل دارد که گفتمان یکسان‌سازی و یک‌پارچه‌سازی فرهنگی را به چالش می‌کشد. همچنین فوکویاما این اندیشه را که جهانی شدن و توسعه ارتباطات منتهی به همگونی می‌شود و از فرهنگها سنت‌زدایی و فرهنگهای محلی و ملی را محو می‌نماید انتقاد می‌کند. وی اعتقاد دارد که جوامع علی‌رغم همکاریهای اقتصادی خصوصیات فردی خود را حفظ می‌کنند. هر چند فرآیند جهانی شدن در بعضی زمینه‌ها همگرایی ایجاد کرده است اما

جدید و ایجاد نوعی هژمونی فرهنگی همت گمارند. آنها تقاضاهایی را خلق می‌کنند که فشارهایی به دولت‌ها وارد می‌سازند، به نحوی که حکومت‌های ملی بعضاً قدرت مقاومت در برابر آنها را از دست می‌دهند. یک پارچه‌سازی و یکسان‌سازی فرهنگی، غایت اصلی بعد فرهنگی جهانی شدن است. اما همان‌طور که گفته شد روند مزبور فرآیندی انحصاری در جهان نیست و جهانی شدن در بعد فرهنگی فاقد یک پارچگی و انسجام است. فرآیندها و روندهای فرهنگی دیگری در جهان وجود دارد که در تضاد با یک پارچه و همگن‌سازی فرهنگی است. بنابراین به نظر می‌رسد که در این فرآیند با هویت‌ها و فرهنگ‌های متعدد و متکثر روبرو خواهیم بود و کشورها کمتر در بعد فرهنگی با چالش‌های امنیتی مواجه خواهند بود، در این راستا استفاده مناسب از تکنولوژی ارتباطات، تقویت زیر ساخت‌های فرهنگی، غنی‌بودن فرهنگ‌ها و قدرت مقاومت آنها در برابر فرهنگ‌های رقیب نیز حائز اهمیت است.

۳-۴- امنیت نظامی

جهان در ستیغ یک جابه‌جایی دوران ساز از جامعه صنعتی به جامعه‌ای اطلاعات محور قرار دارد. تاریخ نشان می‌دهد که دگرگونی‌هایی با این بزرگی بی‌شک با تغییر اساسی شیوه‌های جنگیدن همراه بوده است. این انقلاب اطلاعات از یک سوزاده پیشرفتهایی است که در فناوری‌های رایانه‌ای - اطلاعاتی و ارتباطات دوربرد صورت

عناصر عمیق‌تری در فرهنگ کشورها وجود دارد که همگرایی در آنها به آسانی به وجود نمی‌آید. (۱۹)

همان‌طور که گفته شد در این عصر تکنولوژی ارتباطات پیشرفت زیادی داشته است. این امر ابزار و وسایل بسط و گسترش و تبادل فرهنگ‌ها را فراهم ساخته است، اما بهره‌گیری عمومی و هماهنگ از ابزارهای پیشرفته ارتباطی نباید ما را به یکسانی و همسانی فرهنگ‌ها معتقد سازد. به عبارت بهتر به نظر می‌رسد جهانی شدن و توسعه ارتباطات پدیده‌ای نیست که توانایی، ظرفیت جذب و ادغام تمام هویت‌ها و فرهنگ‌های قومی، ملی و مذهبی را در خود داشته باشد. چرا که تمامی این خرده فرهنگ‌ها مستقل از ساز و کارهای فرهنگی جهانی شدن در فعل و انفعالات عدیده روابط بین‌الملل اثرگذار هستند. یکی از اشتباهاتی که در خصوص یک پارچه‌سازی فرهنگی در جهان صورت گرفته است این است که بعضاً پیشرفت وسایل ارتباطی با یک پارچه‌سازی فرهنگی در جهان، یکسان فرض می‌شود. حال آنکه پیشرفت وسایل ارتباطی را نمی‌توان لزوماً با یک پارچه‌سازی فرهنگی در جهان یکی دانست.

در تحلیل نهایی باید گفت، پیشرفت وسایل مدرن ارتباطی در راستای فشردن ساختن جهان، فرصت مناسبی را برای مراکز و نهادهایی که دارای اندیشه و نظریه هستند فراهم ساخته است تا نسبت به برقراری ارتباطات گسترده و متقابل با مردم و بسط و گسترش فرهنگ‌های

گرفته و از سوی دیگر محصول نوآوری‌هایی است که در نظریه مدیریت و سازمان پدید آمده است. امروزه دگرگونی‌های پرشتاب و فراگیری در شیوه گردآوری، انبارسازی، پردازش و انتشار اطلاعات و نیز چگونگی طراحی سازمانها برای بهره‌جویی از این انبوه اطلاعات دست یاب پدید آمده است. انقلاب اطلاعات نیروهایی را به پویش واداشته است که الگوی بسیاری از نهادها را به چالش می‌طلبند. با این انقلاب سلسله مراتبی که نهادهای نو و به ویژه نهادهای نظامی از دیرباز برگرد آن قواره یافته‌اند از هم گسیخته می‌شود. این دگرگونیها به ناگزیر تأثیری ژرف بر ابزارها و هدفهای برخورد مسلحانه خواهد داشت.^(۲۰)

اهمیت استراتژیک جنگهای اطلاعاتی در هر سه سطح تحلیل ملی، منطقه‌ای و جهانی به گونه‌ای است که این امر در عرصه مجازی از مسائل عمده نظامی و سیاسی آینده خواهد بود. بازیگران غیردولتی یا شبه دولتی و یا به عبارتی شبکه‌ای در عرصه نظام بین‌الملل با بهره‌گیری از پدیده تهدید نامتقارن، از ابعاد تازه‌ای از قدرت برخوردار بوده و با آزادی عمل قابلیت وارد آوردن ضربه به نیروهای بزرگتر از خودشان را دارا هستند، پدیده‌ای که با عنوان انقلاب در مهارت، منتج از جهانی شدن فناوری اطلاعات است. تحول دائم، تغییر در سمت‌گیری منافع در دنیای مجازی و توان تخریبی بسیار بالای رخدادهای تروریستی مجازی در شمار این تحولات شگرف هستند. در بین ارزشمندترین

منابع اطلاعاتی حفاظت شده عصر نوین، عکس و تصاویر با کیفیت بالای به دست آمده از ماهواره‌های جاسوسی است. زمانی این فناوری در انحصار دولتها بود اما اینک شرکتهای خصوصی با ساختن ماهواره‌هایی با دقت عکسبرداری و پردازش کمتر از یک متر در روی زمین به مشتریان خود فرصت می‌دهند تا ماهرانه‌ترین حرکت‌های دیگر بازیگران غیردولتی یا حکومتها را رهگیری نمایند. جایگاه قدرت نظامی به وسیله فناوری اطلاعات به دو گونه مورد چالش قرار گرفته است:

۱- چالش نخست به سرشت نظامی قدرت باز می‌گردد که با ارائه شدن مفهوم مبتنی بر فناوری اطلاعات از نبردها تغییر پیدا نموده است. برآوردهای سازمان سیا در آمریکا حاکی از آن است که در قرن بیست و یکم قطع نظر از جنگ افزارهای هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی، جنگ اطلاعاتی و مجازی^{۱۰} می‌تواند کانونی‌ترین تهدید برای امنیت ملی به حساب آید. وابستگی روزافزون کشورهای پیشرفته به فناوری اطلاعات در اقتصاد، صنعت، مالیه و بانکداری، خود زمینه‌های تازه برای آسیب‌پذیری به وجود آورده است. نظامهای این‌گونه کشورها از جانب یک خرابکار رایانه‌ای ماهر بیشتر در تهدید خواهد بود تا یک قدرت نظامی مقتدر.

است و جایگاه آن در ساختارهای زیربنایی اطلاعات جهانی ارزیابی می شود.^(۳۱)

انقلاب اطلاعات موازنه قدرت بین قدرتهای بزرگ نظامی جهان و دولتهای کوچک تر از نظر جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی را هم تغییر می دهد. در جایی که تسلط و غلبه عامل تعیین کننده در کشمکشها به حساب می آید و کشمکشهای بین المللی منحصرأ توسط کشورها و ارتشهای آنها اداره می شوند، در دنیای تازه، آموزه های سنتی تسلط توسط دیدگاه مزیت های نامتقارن به دست آمده از سوی بازیگران غیردولتی به چالش گرفته می شود. آنان اینک قادر هستند به کشاکش مستقیم و مؤثر با حریفهای قدرتمند وارد شوند. در واقع زمانی که واحد نیرو در جنگ عامل فرد و انسان بود و هر اندازه اجتماع بزرگتری از افراد و ارتش گردآورده می شدند، مزیت بیشتری داشتند پس از دو سده، اینک دوره ارتشها و نیروهای نظامی برخوردار از انبوه پرسنل و دوره های کوتاه خدمت اجباری و ساز و برگ حجیم و گسترده آنها به سرآمده است.^(۳۲) از جنبه های دیگر در این راستا، بهره گیری از شبکه های رایانه ای برای وارد شدن به زیر ساختهای رقیب برای از بین بردن اطلاعات دشمن و نیز به کارگیری لیزر برای از بین بردن ماهواره ها، در شمار فن آوریهای ناظر بر آینده عرصه نظامی است. نکته جالب اینکه ارتش به ویژه در ایالات

۲- چالش دوم نسبت به مفهوم سنتی قدرت نظامی، فروکش نمودن نسبی آن در سنجش با دیگر عناصر اساسی مفهوم قدرت به ویژه بهره گیری از فناوری اطلاعات به عنوان یک منبع تازه قدرت است. دانش بیش از هر زمان دیگر «قدرت» به حساب می آید. قدرت در عصر اطلاعات با افزایش اهمیت فناوری، آموزش و افزایش انعطاف پذیری و کاهش اهمیت جغرافیا، جمعیت و مواد خام همراه بوده است. اطلاعات و دانش متنوع تر و منعطف تر بوده و آخرین تحولات بر اهمیت قدرت نرم یا منعطف^{۱۱} به عنوان شیوه پیشبرد منافع ملی از راه جذب و جلب به جای اجبار و فشار افزوده است. با افزایش کاربرد قدرت نرم در روابط بین الملل جایگاه دیپلماسی برجسته تر می شود.

کاسته شدن از اهمیت عناصر محیطی در روابط بین الملل تغییر در مفهوم ژئوپولیتیک را هم به همراه داشته است که به طور سنتی بر پایه عناصر فضا و مکان چون دسترسی به دریا، وجود مرزهای طبیعی و کنترل تسهیلات ارتباطی عمده استوار بوده است. هر چند اهمیت این جنبه های جغرافیایی برای حیات انسان همچنان پابرجاست اما فناوری اطلاعات به واسطه فراهم آوردن ارزشها و قدرت غیرمادی از اهمیت عامل مکانی کاسته است. اهمیت جایگاه ژئوپولیتیک یک کشور با مجموعه ارزشهای تازه ای که مرتبط با مدیریت اطلاعات

متحدہ بیشتر از هر بخش دیگری در دولت، از فناوری‌های اطلاعات بهره برده است و به کارگیری فناوریهای نوین در ارتش و نیروی نظامی را «مزیت اطلاعاتی» یا «استیلای اطلاعاتی» می‌خوانند. جنگ آمریکا با عراق در سال ۱۹۹۱، در بالکان ۱۹۹۹، در افغانستان ۲۰۰۱ و عراق ۲۰۰۳ عرصه‌ها و مثالهایی از به کارگیری این گونه جنگ افزارهای بهره‌مند از اطلاعات و به منظور بالا بردن دقت آنها بود. جلودار و پیشگام بودن ایالات متحده در بهره‌گیری از فناوریهای پیشرفته در عرصه نظامی موجب تحکیم جایگاه ابرقدرتی آن با وجود برخی کاستیها در عرصه اقتصادی و بازرگانی شده است. همان گونه که در گذشته تسلط هسته‌ای عامل اصلی رهبری در ائتلاف به شمار می‌آمد، تسلط اطلاعاتی عامل اساسی در عصر کنونی به حساب می‌آید.^(۲۳)

فرجام

انقلاب اطلاعات هم‌گام با بازیگران دولتی، توان و انعطاف عمل بازیگران غیردولتی را نیز افزایش داده و هم‌زمان با تغییر مفهوم قدرت نظامی، نگرش استراتژیستهای نظامی را نیز متحول نموده است. ابزارهای نامتقارن در این خصوص چه در عرصه تولید و به کارگیری جنگ افزارهای کشتار جمعی^{۱۲} توسط گروه‌ها و چه تهدید آفرینی در برابر زیرساختهای حمل و نقل، از کار انداختن و فلج کردن اقتصادها از طریق حمله‌های تروریستی در فضای مجازی،^{۱۳} حمله به بازارهای مالی و یا از بین بردن زیر ساختهای نظامی یک کشور، همگی هراس و

12. Weapons of Mass Destruction
13. Cyberterrorism

- بی‌اعتباری عملی مرزهای شناخته شده بین‌المللی در برابر امواج تبلیغاتی و پیامهای وسیع ارتباطی موجب کمرنگ شدن نقش کشور-ملتها در عرصه بین‌الملل شده است. این وضعیت بر روی شاخصهای امنیتی جوامع تأثیرگذار بوده است. پس حاکمیتها باید از ارتباطات به لحاظ ابزاری جهت انتقال تفکر مورد نظر در داخل و خارج مرزها سود جویند و در راستای توسعه و تقویت امنیت ملی گام بردارند. هم اینک مرحله گذار از دوره کهن به دوره نوین است. مهم‌تر از هر واقعیت بنیادین دیگر اینکه قدرت در حال جابجایی و تغییر است. در عین حال آنان که از قدرت برخوردار هستند مایل به رها ساختن آن نبوده و آنان که در طلب آن هستند، برای به دست آوردن قدرت در تلاش و کشمکش هستند. در مقطع زمانی پیش‌رو، انقلاب اطلاعات بر جامعه بین‌المللی و توان رهبری قدرتهای بزرگ جهانی و بر نتایج این کشمکشها تأثیرگذار می‌باشد و بهره‌مندی از این فناوری می‌تواند در افزایش اقتدار و قدرت دولتها در ابعاد گوناگون امنیت ملی نقش مؤثری را داشته باشد.
- پانوشتها**
۱. ساروخانی، باقر. *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱. ص ۱۹.
 ۲. همان. ص ۲۰.
 ۳. همان. صص ۱۹-۱۸.
 ۴. محسنیان راد، مهدی. *ارتباط‌شناسی*. تهران: سروش. ۱۳۶۸.
- ص ۴۵.
۵. اسدی، علی. *افکار عمومی و ارتباطات*. تهران: سروش. ۱۳۷۱. صص ۲۵-۲۳.
 ۶. یوسفی، ماریا. *ارتباطات، مخاطب و امنیت*. فصلنامه مطالعات راهبردی. بهار و تابستان ۱۳۷۹. ص ۱۶۵.
- 7. Barry, Buzan. *Peopel, states & Fear: The National Security Problem in International Relations*. Harvester Wheat Sheaf. 1985. p30.**
۸. ماندل، رابرت. *چهره متغیر امنیت ملی*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: ۱۳۷۷. ص ۴۹.
 ۹. روشندل، جلیل. *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*. تهران: سفیر. ۱۳۶۸. صص ۴-۳.
 ۱۰. برژینسکی، زینگنیو. *در جستجوی امنیت ملی*. ترجمه ابراهیم خلیلی. تهران: سفیر. ۱۳۶۸. صص ۴-۳.
 ۱۱. ماندل، پیشین. صص ۵۲-۵۱.
 ۱۲. عامری، هوشنگ. *اصول روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات آگاه. ۱۳۷۰. ص ۱۷۹.
 ۱۳. کاظمی، علی اصغر. *زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل*. تهران: نشر قومس. ۱۳۷۰. صص ۱۱۶-۱۱۵.
 ۱۴. ماندل، پیشین. ص ۱۷.
 ۱۵. هوتزینگر، ژاک. *درآمدی بر روابط بین‌الملل*. ترجمه عباس آگاهی. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳۷۵. ص ۲۱۵.
- 16. Kurbaliija, Jovan. *Diplomacy In the Age of Information Technology*. Edited By Dan Melissen Press. 1999. pp 173-174.**
۱۷. آکسفورد، باری. *نظام جهانی*. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ۱۳۷۸. صص ۱۶۴ و ۱۴۱.
- 18. Ronald, Robertson. *Globalization: Social Theory and Global Culture*. London. 1992. p 68.**
۱۹. فرهنگ جهانی. گفتگو با فرانسیس فوکویاما. روزنامه همبستگی. دوشنبه ۹ آبان ۱۳۷۹.
 ۲۰. دیویس، نورمن. *انقلاب اطلاعات در آینه امور نظامی*. ترجمه علیرضا طیب. *ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*. بهمن و اسفند ۱۳۷۶. ص ۸۴.
- 21. Jan, Melissen. *Innovation in Diplomatic Practice*. London. MacMillan Press. 1999. pp 166-168, pp 171-172.**
۲۲. غفوریان، آرش. *کنکاشی در تحولات امنیت و سیاست جهانی* پس از ۱۱ سپتامبر. *ماهنامه دیدگاه و تحلیلها*. شماره ۱۵۸. ص ۷.
 ۲۳. صدقی، احمد. *بازنگری مفاهیم و مبانی قدرت در روابط بین‌الملل*. فصلنامه *سیاست خارجی*. بهار ۱۳۸۱. ص ۵۹.